



درباره حوادث تلخ زادگام کازرون

گزینش: محمد رجبی

دکتر رحیم نوبهار، دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی



مردم اداره می‌شود در این باره هم همان کلیشه همیشگی خود را تکرار می‌کنند: سکوت و یا انگ و کنایه زدن به معترضان! چه کسی گفته است مردان و زنانی که طی ماه‌های گذشته به گونه‌های مختلف اعتراض کرده‌اند انسان‌های شریف و آزاده نبوده‌اند. نیای این مردم حتی پس از سرنگونی دولت ملی دکتر مصدق دست از حمایت از او برنداشتند. کازرون شهرستان کوچکی به شمار می‌آید؛ اما در زمان رژیم شاه یکی از چند شهری بود که در آن حکومت نظامی برپا شد. نیروهای انقلابی در این شهر استان‌های هم‌جوار را به لحاظ فکری و انقلابی تغذیه و حمایت می‌کردند. هر چند بسیاری از مناطق هم‌جوار پیش از کازرون از مواهب انقلاب برخوردار شدند. مردم انقلابی شهرستان من سال‌ها چشم‌په‌راه یک تونل چند صد متری بودند؛ در حالی که در کنارشان در برخی مناطق برای احداث جاده‌های جدید تونل‌های چند کیلومتری حفر می‌شد. با گذشت چهل سال از پیروزی انقلاب اسلامی راه عبوری اصلی آنان به شیراز هنوز هم استانداردهای یک‌راه معیار را ندارد! آنان در دوران جنگ دو گردان را در جبهه برپا می‌داشتند.

آسمان هر کوی و کوچه‌ای از این شهر یک یا چند شهید دارد. آیا صداوسیما در انعکاس درست درخواست چنین مردمی هیچ وظیفه‌ای ندارد؟ چند خبرنگار صداوسیما در روزهای گذشته دوربین به دست گرفتند و به میان مردم رفتند و حرف دل آنان را شنیدند و به مردم منطقه و کشور گزارش دادند و بر زخم مردم مرم نهاده‌اند؟

۶. به نظر نمی‌رسد که وزارت کشور در این باره به مسئولیت خود درست عمل کرده است. آیا به‌جای رسیدن به ریشه درد و مشکل کافی است بگوییم: ریشه این ناآرامی‌ها درجایی دیگر است. بهتر است وزارت کشور به‌جای کلی‌گویی بی‌معنا به مسئولیت خود و نهادهای دیگر و ناتوانی در زمینه تعامل با مردم اعتراف کند و به‌جای تهدید مردم درصدد دلجویی از آنان و به‌ویژه آسیب دیدگان و خانواده‌های آنان برآید. مردم شهرستان من به‌شدت میهن‌دوست هستند. آنان انقلاب خود را دوست دارند و برای دفاع از کشورشان تا پای جان ایستاده‌اند. چرا باید در دولتی که عنوان تدبیر را یدک می‌کشد در پاسخ مناسب به یک خواست عمومی این اندازه ضعیف عمل شود؟

۷. زمان برای ترمیم درد و زخم مردم کازرون همچنان باقی است. جا دارد مسئولان عالی نظام به‌ویژه نهادها و کسانی که را به ناگوار شود.

۸. از همه مردم شهرستان کازرون البته انتظار می‌رود با هوشیاری و صبر و بردباری مطالبات قانونی خود را پیگیری کنند و اجازه ندهند خواسته‌هایشان در میان آتش خشم و خشونت و دود سیاه تخریب و نفرت فراموش شود. ما در این زمان بیش از هر زمان دیگری به توسعه فرهنگ مدنی و همدلی و همبستگی در برابر همه کسانی که کمر به نابودی ایران و اسلام بسته‌اند نیاز داریم. ضرورت دارد خشونت را در همه اشکال خود کنار نهیم و باور داشته باشیم که خشونت متأسفانه خشونت آور است. دیروز رزمندگان قائمیه در کنار رزمندگان کازرونی در برابر دشمن ایستادند. ما نیز امروز باید برای پاسداشت خون پاکشان دست‌به‌دست هم دهیم و با همدلی و مهربانی و سخت‌کوشی و سعه‌صدر ایران بزرگ را آباد کنیم و آن را به نسل‌های آینده بسپاریم.

رفع کاستی‌های دموکراسی و پربار شدن آن مشارکت داشته باشند؛ اما وقتی چنین ادعای بزرگی داریم باید تحمل مخالف و مخالفت را هم داشته باشیم. مردم شاهدند در دموکراسی‌های غربی گروهی اعتراض می‌کنند و اعتصاب می‌نمایند و گاه از این راه میالغ زیادی به اقتصاد بخش خصوصی یا حتی دولتی زبان وارد می‌شود اما بعداً تظاهر کنندگان یا اعتصاب‌کنندگان مورد بازجویی و مؤاخذه قرار نمی‌گیرند.

چگونه است که مردمی که خواسته آنها هیچ است یعنی می‌گویند وضع کنونی خوب است و چیزی را تغییر ندهید به علت شرکت در تظاهراتی مدنی مورد بازجویی و مؤاخذه قرار می‌گیرند و به‌گونه‌ای تحریک‌آمیز دستگیر و تحقیر می‌شوند؟ دستگیری‌هایی که از عوامل بسیار مؤثر در ناآرامی‌های اخیر بوده است و در یک نظام با حساب‌و‌کتاب عاملان آن حتماً باید به‌دقت مورد پرسش و مؤاخذه قرار گیرند.

۴. از یک‌ایک نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توان پرسید وقتی نماینده‌ای عمدتاً با تکیه بر رأی یک بخش از شهرستانی بزرگ به‌نوعی در مقابل خواست اکثریت مردم خویش قرار می‌گیرد آیا آنان وظیفه‌ای در برابر مردم خویش ندارند؟ نمایندگان مجلس شورای اسلامی تاکنون برای شنیدن صدای مردم مظلوم کازرون چه تلاشی کرده‌اند؟ به‌ویژه وجدان‌های آگاه این پرسش را از نمایندگان استان فارس دارند. آیا آنها هیچ مسئولیت قانونی و اخلاقی در برابر مردم کازرون ندارند؟ آیا مردمی با آن‌همه پیشینه انقلابی نباید در خانه ملت صدایی داشته باشند؟ گوهر و جوهر مردم‌سالاری می‌طلبد تا نمایندگان مجلس بر همه مسائل کشور نظارت داشته باشند. حتی اگر مردم شهرستان من در تقاضای خود اقلیت بودند -که قطعاً نیستند- باز باید گروهی صدای آنان می‌شدند. مردم شهرستان کازرون امروزه سخت به دنبال کسی هستند که صدای آنان در مجلس باشد. به‌ویژه مسئولیت رئیس مجلس شورای اسلامی در این باره بسیار سنگین و تاریخی است. مگر نمایندگان مجلس شورای اسلامی در سوگندنامه خود نسبت به حفظ حقوق همه ملت و نه تنها مردم حوزه انتخابیه خود سوگند ادا نکرده‌اند؟ بسی دریغ است که با کوتاهی در ادای وظایف کلی و کلان خود مردمی بزرگ را تا این اندازه نومید کنیم و از حمایت نظام بی‌بهره سازیم.

۵. متأسفانه صداوسیما جمهوری اسلامی ایران که با پول و منابع

۱. در انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی جوانی پرکار و خوش‌نام از خاندانی محترم و شناخته شده از شهرستان کازرون نامزد نمایندگی شد. شورای نگهبان صلاحیت او را رد نکرد؛ اما صلاحیت او را احراز هم نکرد! من به سهم خودم و به‌عنوان یک شهروند کازرونی دعا می‌کنم خداوند کسانی را که در این کار نقش داشتند -مرده باشند یا زنده- ببخشد. دیگر مردم که در این باره حشاشان ترضیع شد می‌بخشدند یا نه خود دانند. نتیجه این شد که نماینده کنونی کازرون در یک ماراتن تقریباً تک‌نفره با بهره‌گیری از رانت رد صلاحیت رقیب، به مجلس راه یافت و طرح تقسیم شهرستان کازرون در دستور کار قرار گرفت و فعال شد. برابر این طرح، زادگاه نماینده کنونی کازرون که یکی از بخش‌های شهرستان کازرون است و تا کازرون حدوداً تنها بیست دقیقه فاصله دارد به شهرستان مستقلی تبدیل می‌شود.

۲. ابهام‌ها درباره چرایی اصل این کار و چگونگی آن فراوان است؛ نگارنده اکنون قصد ورود به جزئیات این ماجرا و بررسی نظریات کارشناسی درباره ابعاد هویتی-تاریخی، زیست‌محیطی، قومیتی، سرنوشت آثار باستانی پیشاپور و حتی ابعاد امنیتی این تقسیم را که اکنون متأسفانه رنگ خون به خود گرفته است ندارم؛ اما هر چه هست بسیاری می‌پذیرند که این کار در شرایط کنونی در کنار انبوهی از مشکلات کمرشکن برای مردم منطقه و کشور مانند بیکاری، تورم و عدم رونق اقتصادی نه یک ضرورت و نه یک اولویت و نه به مصلحت است. متأسفانه کارشناسی‌های وزارت کشور در این باره کافی نبوده است. من به جَد دعا می‌کنم ذهنیتی که برای برخی از مردم درباره دادوستدهای سیاسی در پشت این تقسیم پیدا شده حقیقت نداشته باشد. هر چند مسئولان امر باید با شفاف‌سازی این ذهنیت را -که زینده نظام جمهوری اسلامی نیست- برطرف کنند.

۳. مردم کازرون در چندین نوبت به این کار اعتراض کردند و مسئولان استانداری و وزارت کشور هم قول مساعد دادند؛ اما روشن نیست برخی نهادها با چه نقشه‌ها و اهدافی اقدام به جلب و بازجویی شماری از معترضان نموده‌اند. در سخنان مسئولان جمهوری اسلامی اغلب عنوان می‌شود که جمهوری اسلامی بدیل دموکراسی غربی است. من به‌عنوان یک دانش‌آموخته حوزه علمیه و دانشگاه به‌نظام لیبرال دموکراسی انتقادهای جدی دارم. شخصاً دوست دارم دیگر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها از جمله فرهنگ اسلامی در

به بهانه سوم خرداد سالروز آزادسازی خرمشهر

 تهیه و تنظیم: واحد فرهنگی و پژوهشی
 بنیاد شهید و امور ایثار شهرستان کازرون

زندگینامه پاسدار شهید عبدالحسین رازقی



تازک سپاه پاسداران به جبهه خونین‌شهر اعزام گردید و در حمله‌های موفقیت‌آمیز جبهه خونین‌شهر شرکت کرد و سرانجام در حمله‌ای که روز ۱۳۶۱/۳/۲ برای آزادسازی خونین‌شهر توسط رزمندگان اسلام انجام گرفت بر اثر اصابت خمپاره به تازک وی، به درجه رفیع شهادت نائل آمد و خون پاکش راهگشای برادران رزمنده جهت فتح کامل خونین‌شهر شد و به وصال معشوق و معبودش رسید. پیکر پاک این شهید عزیز در تاریخ ۱۳۶۱/۳/۸ به زادگاهش کازرون انتقال یافت و در میان سیل خروشان جمعیت شهیدپرور و مقاوم شهرمان در قطعه شهدا در امام‌زاده سید محمد نوربخش به خاک سپرده شد. روحش شاد و یادش گرامی باد.

فرازی از وصیت‌نامه شهید رازقی
 خواهران و برادران، امام امت را تنها نگذارید و ایشان را الگو و اسوه در زندگی خویش قرار دهید چون اسلام در امام خلاصه می‌شود. [ای مادر عزیزم] زندگی من که نتوانست خدمتی به شما و اسلام بکنم شاید با شهادتم

که همان راه امام حسین، پیشوای ما مسلمین است بتوانم خدمتی به اسلام کرده باشم. پدر! هنگامی که خیر شهادت من به شما می‌رسد حالات روحی سیدالشهدا را هنگامی که به بالین پسر شهیدش می‌آید و ای مادر شما

حالات روحی مادر علی‌اکبر را و ای برادر شما حالات روحی حسین (ع) را هنگامی که شهادت عباس عزیزش را می‌بیند و ای خواهر شما حالات روحی زینب را هنگام شهادت برادرش به یاد بیاورید.



پاسدار شهید عبدالحسین رازقی در سال ۱۳۴۱ در خانواده‌ای سرشار از معنویت و مذهبی در شهر کازرون متولد شد. از ابتدای کودکی به خاطر جو حاکم بر خانواده عاشق خاندان عصمت و طهارت بود. دوران ابتدایی را در

دبستان چمران گذراند و سپس تحصیلات دوران راهنمایی را در مدرسه راهنمایی شهید بهبهانی‌نژاد طی کرده و تحصیلات دبیرستانی را از ابتدا در دبیرستان ابواسحاق و سپس در دبیرستان خدمات پزشکیان کازرون به اتمام رسانید شهید ضمن تحصیل در دبیرستان در انجمن اسلامی دبیرستان عضو بود و از طریق همین انجمن اسلامی آموزش نظامی را تاندازه‌ای فراگرفت.

شهید عبدالحسین رازقی پس از اتمام دوران دبیرستان به مدت دو ماه دوران کارآموزی علمی رشته تحصیلی خود را در جهاد سازندگی کازرون گذراند و پس از پایان این دوره به کارگری پرداخت و ضمن کار، در رشته بهیاری نیروی دریایی ثبت‌نام نمود و امتحانات این دوره را با موفقیت پشت سر گذاشت؛ اما روح ناآرام و سرکش او که بی‌تابانه و عاشقانه در انتظار وصال معشوق ابدی لحظه‌شماری می‌کرد از رفتن در نیروی دریایی منصرف شده و همچون هزاران عاشق و دل‌باخته حسین و راه سیدالشهدا به ندای

عمو ناصر هندوانه فروش مشهور کازرون

عکاس: سید علی هاشمی

